

آزادشان کنید!

علی منالی

برای چیدن آفرین جمله‌ی جهان
کلمه کم آورده‌ام،
لطفاً مروف روشن رازداران را آزاد کنید!
آزادشان کنید!
آن‌ها فرزندان فرصت‌گریز هزاره‌ی تان‌اند،
که در پایداری فویش
جهان را از پیر شدن باز می‌دارند.
آزادشان کنید!

پرستویی که امروز قفس‌نشین شماست
فردا عقاب قفل‌شکنی خواهد شد
که به قله‌ی مه‌گرفته‌ی قاف هم قناعت نخواهد کرد.
آزادشان کنید!

آن‌ها کامل‌ترین کمر بستگان باران‌اند،
که ما رویاهای بی‌گرگ فویش را
در آهوت‌ترین پیراهن بی‌فریب‌شان شسته‌ایم.
آزادشان کنید!

پروانه‌ای که از آفرین آواز آتش گذشته است
دیگر از گر گرفتن برباد رفته‌ی فود
نخواهد ترسید.
تنها در تلاوت مفی ما تکثیر خواهد شد،
مثل ستاره در آسمان
ترانه در کوه و
کلمه در کتاب.

هی رفته بر آب، دریاب!
آفرین جمله‌ی جهان ما
علاقه به آزادی آدمی‌ست،
که در چیدن چلچراغ آن
کلمه کم نمی‌آوریم.